

Continuity of image and meaning in Soad Al-Sabah's poems

Akram eidi¹, Naimeh parandvaji², Omid izanlo³

(Received:23.12..2021, Accepted:18.02.2022)

Abstract

Saad al-Sabah is one of the prominent Kuwaiti poets in contemporary Arabic poetry, whose poems are considered social realism. She narrated the important political and social events of her society in a simple and fluent language. What has distinguished the poetry of this Kuwaiti poet is the use of image language and especially poetic imagination in expressing poetic meanings and concepts. This connection between the language of image and meaning has caused the poet to convey her mental thoughts and feelings to her audience in a tangible and emotional way. This research tries to analyze, in a descriptive-analytical way, the harmony between image and meaning in the poetry of Soad Al-Sabah, relying on her social poems, and to answer this question: How did Soad Al-Sabah use poetic images in depicting the social issues of her society? The findings of the research show that the poet expressed her protest against social injustices and patriarchal society by using emotional images and especially using natural elements. Soad Al-Sabah tried to express her desired concepts more beautifully and concretely with different language techniques and harmony between image and meaning.

Keywords: Meaning, image continuity, contemporary poetry of Kuwait, Saad Al-Sabah.

¹ . Graduated with a master's degree in Arabic language and literature, Faculty of Humanities, Kosar Bojnord University, Bojnord-Iran. email:akram.eidi2018@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord-Iran (Responsible author).email: parandavaji@kub.ac.ir.

³ . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord-Iran (co-author).email: omid.izanlo@gmail.com



پيوستگى تصوير و معنى در اشعار سعاد الصباح

اکرم عیدی^١، پراندوجى، نعیمه^٢، امید ایزانلو^٣

(تاریخ دریافت: ١٤٠٠/١٠/٠٢، تاریخ پذیرش: ١٤٠٠/١١/٢٩)

چکیده

سعاد الصباح از شاعران مطرح کویتى در شعر معاصر عربى است که سروده‌هایش، از نوع رئالیسم اجتماعى محسوب مى‌شود. وی با زبانی ساده و روان، رویدادهای مهم سیاسى و اجتماعى جامعه‌ی خود را با زبان شعر بازگو نموده است. آنچه شعر این شاعر کویتى را متمایز ساخته این است که شاعر از زبان تصویر شاعرانه و آرایه‌های بیانی متعددی برای انتقال معانى و مفاهیم شعرى خود بهره‌برده است که این امر سبب ایجاد پيوستگى میان معنا و تصاویر ادبى اشعار وی شده است که این پيوستگى میان زبان تصویر و معنا، سبب شده تا شاعر به گونه‌ای محسوس و عاطفى، مکنونات ذهنى و احساسات خود را به مخاطب خود انتقال دهد. این پژوهش تلاش مى‌کند تا به شیوه‌ی توصیفى - تحلیلى، هماهنگى میان تصویر و معنا در شعر سعاد الصباح را با تکیه بر اشعار اجتماعى او بررسی نموده و به این پرسش پاسخ دهد که سعاد الصباح چگونه و تا چه میزان از تصاویر شاعرانه برای ترسیم مسائل اجتماعى جامعه‌ی خویش بهره‌جسته است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که شاعر با کاربست تصاویر عاطفى و به‌ویژه استفاده از عناصر طبیعى، صدای اعتراض خود را بر ناعدالتی‌های اجتماعى و جامعه‌ی مردسالار اظهار داشته است. سعاد الصباح تلاش نموده تا با تکنیک‌های مختلف زبانی و هماهنگى میان تصویر و معنى، مفاهیم مورد نظر خویش را زیباتر و ملموس‌تر بیان نماید.

واژگان کلیدی: معنى، پيوستگى تصويرى، شعر معاصر کویت، سعاد الصباح.

^١. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران. ایمیل: akram.eidi2018@gmail.com

^٢. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران (نویسنده مسؤل): parandavaji@kub.ac.ir

^٣. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران (نویسنده همکار). ایمیل: omid.izanlo@gmail.com



۱. مقدمه

هر شاعر و نویسنده‌ای برای بیان احساسات و معانی درونی خویش، از ابزار و تکنیک‌های متعددی استفاده می‌کند که مجموعه‌ی این امکانات، تصویری می‌سازد که القاکننده‌ی ذهن و ضمیر وی است. می‌توان گفت: تصویر هر نوع دریافت شاعر از اطراف خویش و ارائه آن به واسطه‌ی تشبیه، استعاره و... است؛ چه این دریافت حسی باشد و چه انتزاعی. به همین دلیل باشلار^۱ (ریکور، ۱۳۷۸: ۵۵) معتقد است که «تصویر، یک ادراک حسی میرا نیست، بل زبانی است که زاده می‌شود».

تصاویر ادبی یا صور خیال «نمودهای گوناگون تخیل است که شامل مباحثی از قبیل تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه و هریک از شاخه‌ها و انواع آن می‌باشد» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۲۳). معادل این اصطلاح ادبی در زبان عربی (التصاویر الفنیّه) است؛ یعنی تصویری که زاده‌ی خیال و عاطفه‌ی شاعر و ادیب، در بیان معانی و مفاهیم مورد نظر خود است. البته هرچند اصطلاح (تصویر) عام‌تر از (خیال) است و بنا بر نظر شفیع کدکنی (۱۳۸۰: ۱۶) «خیال» به معنای مجموعه‌ی تصرفات بیانی و مجازی در شعر است، اما «تصویر» با مفهومی اندکی وسیع‌تر، شامل هرگونه بیان برجسته و مشخصی است و چه بسا نشانی از انواع مجاز و تشبیه در آن نباشد؛ ولی به طور کلی در نقد ادبی معاصر، اصطلاح (التصویر الفنی) را در برابر (صور خیال) استعمال می‌کنند. تصویر، پرده‌برداری از معانی با تعبیری زنده و احساس‌برانگیز است و تصویر ادبی «به معنای به کارگرفتن سخن به گونه‌ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم، به روشی جدید و ابتکاری تجسم می‌یابند. سخن از قالب تنگ خود خارج شده و به عالمی زنده و پرنشاط پا می‌گذارد» (یاسوف، ۲۰۰۶: ۹۰). این تصاویر و صورت‌گری‌های ادبی و زبانی، «به مثابه‌ی ابزاری هستند که معنی را تقویت می‌کنند و بر قدرت تأثیر حسی شعر می‌افزایند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۲۱)؛ چرا که «تصویرها هستند که معنا را می‌سازند» (الحاوی، ۱۹۹۸: ۲۰۶) و به قول جاحظ «معنی در یک اثر ادبی مخفی است و جز در تصاویر و عناصر خیال ظاهر نمی‌شود و اثر ادبی، نقاط قوت خود را از تصویر هنری دریافت می‌کند» (به نقل از غنیمی هلال، لاتا: ۶۰).

شعر و ادب از دیرباز با صور خیال درآمیخته و آشنا بوده است. مجموعه‌ی تصاویر حاصل از انواع صور خیال که شامل استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه است، در اشعار همه‌ی شاعران حضور پرنرنگی داشته و در دیوان هر شاعر، بیانگر لحظه‌هایی است که با جهان درونی او سروکار دارد که در واقع، انعکاس روح، شخصیت و ویژگی‌های درونی اوست. صور خیال، نه تنها در زیبایی ظاهری و آراستن کلام از لحاظ ساختار تأثیر بسزایی دارد؛ بلکه گستره و ظرفیت معنایی کلام ادبی را نیز بسیار غنی می‌سازد و در تولید معانی ثانوی و چندگانه‌ی متن، نقش مهمی را ایفا می‌کند. در زیباسازی شعر، چیزی شگفت‌آورتر از آن نیست که شاعر، با توجه به قوه‌ی خلاق و آفرینندگی خود، این قابلیت را داشته باشد که معنای

^۱. Bachelard

دیگری را در پس لایه‌های کلام نهفته سازد. به کارگیری لفظ در این حالت، به کلام برای درک معنای مقصود، معنایی عاریه‌ای می‌دهد. این کار بست زبانی که همان صور خیال و به‌ویژه کاربرد تشبیه و استعاره است، یکی از ویژگی‌های خاص ادبی در حوزه‌ی بلاغت است که سبب تمایز بعضی از آثار ادبی از یکدیگر می‌شود. به عبارتی دیگر، آنچه موجب تحسین ادبی خواننده می‌شود، معانی و مفاهیمی است که در ماورای کلام خیال‌انگیز شاعر نهفته است و خواننده با کشف معنای مقصود آن، به لذت هنری می‌رسد. این سبک برجسته‌ی بیانی در شعر سعاد الصباح، شاعر معاصر کویتی، نقش خیال‌انگیزتری به اشعار وی داده است.

سعاد الصباح، یکی از شاعران مشهور معاصر عرب است که دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی او به‌ویژه در دفاع از حقوق زنان و مبارزه با استعمار، قابل تأمل و درنگ است. یکی از ابزارهای زبانی و کلامی این شاعر معاصر کویتی در القای مفاهیم و معانی شاعرانه‌ی خود، استفاده از تصویرگری خیال‌انگیز در تفهیم بهتر معنای مورد نظر است. این سراینده‌ی عرب، شعر خود را به عنوان ابزاری کارآمد برای بیان اعتراض علیه سنت‌های نادرست، نابرابری‌های نظام مردسالار و ... به کار می‌بندد تا با روشنگری در این حوزه، زمینه را برای لطافت‌های زنانه و ذوق شاعرانه‌ی خود و در نهایت، دستیابی به مهم‌ترین خواسته‌اش یعنی رفع تبعیض فراهم سازد. سعاد الصباح، شاعری مُبدع با تخیلی خلاق و فوق‌العاده است. وی تمامی سبک‌های ادبی همچون رمانتیسم، رئالیسم، سمبولیسم و ... را در اشعار خود تجربه کرده و جلوه‌های گوناگون مضمونی در شعر معاصر عربی، همانند تأمل در حیات، تأمل در مسائل سیاسی و اجتماعی و ... در سروده‌هایش ظهور و بروز یافته است؛ به نحوی که «خواننده با مطالعه‌ی اشعار زیبای وی، به عاطفه، خیال و اندیشه‌ی او پی می‌برد» (الأمین، ۱۹۹۴: ۹۰). علاوه بر نوآوری در شعر سعاد، چکامه‌های وی از پیچیدگی و غیر قابل فهم بودن به دور است (أرناؤوط، بی‌تا: ۲۱۴) و به طور کلی می‌توان شعر وی را یک انقلاب دانست؛ «انقلاب در نگاه و دیدگاه، انقلاب در نوآوری، انقلاب در فهم و درک و انقلاب در آثار و نتایج» (همان: ۱۱).

مقاله‌ی حاضر با هدف نشان دادن نقش تصاویر شاعرانه در آفرینش معنای سیاسی و اجتماعی، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، به بررسی کارکرد تصویر در معنای اشعار سعاد الصباح می‌پردازد و تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که: مهم‌ترین لایه‌های پنهان معنا و تصاویر نهفته در کلام شاعر چیست؟ با بررسی‌های اجمالی چنین به نظر می‌رسد که مهم‌ترین معنای پنهان و تصاویر شعر او پرداختن به مسائل سیاسی-اجتماعی جامعه‌ی خود است که این مسائل با استفاده از تصویرگری‌های ادبی مانند تشبیه و استعاره به‌تصویر کشیده شده است.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش‌ها و مطالعات متعددی در رابطه با بررسی اشعار سعاد الصباح در ایران و کشورهای عربی انجام شده که شعر این شاعر را از جنبه‌های مختلفی بررسی کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز به مقایسه‌ی شعر این شاعر با شعر شاعران ایرانی پرداخته‌اند که ذکر همه‌ی آن‌ها موجب اطاله‌ی کلام می‌گردد. از این رو در این بخش به بررسی پژوهش‌هایی می‌پردازیم که جنبه‌های بلاغی در شعر سعاد را بررسی نموده‌اند، از میان آن‌ها می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: مقاله‌ی «دراسة أسلوبیة فی قصیده‌ی موعده فی الجنه‌ی» از عیسی متقی‌زاده و دیگران در مجله‌ی علمی-پژوهشی «إضاءات نقدیه»، جلد ۳ شماره‌ی ۹ و در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است.

مقاله به بررسی قصیده‌ی مذکور از سعاد الصباح از منظر سبک‌شناسی پرداخته و به این نتیجه رسیده که شاعر در سرودن این قصیده از عاطفه‌ی حزن‌آلود استفاده کرده، لذا حروف جهری و مهموس متناسب با فضا و مقصود قصیده کاملاً بجا و متناسب بکار رفته است. از سوی دیگر به دلیل وجود فضای حزن‌آلود در قصیده، شاعر از جمله‌های فعلیه بیش‌تر از جمله‌های اسمیه استفاده کرده که این امر سبب ایجاد هماهنگی و انسجام میان عاطفه و سبک شعری قصیده شده است. پژوهش دیگر مقاله‌ی «نقد تطبیقی آزادی زنان در اشعار سعاد الصباح و سیمین بهبهانی» توسط محسن سیفی و همکاران در سال ششم، شماره‌ی ۲۳ همان مجله نوشته شده و در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. این مقاله به بررسی مسئله‌ی آزادی زنان و چالش‌های فراروی آن از منظر اشعار این دو شاعر پرداخته و به این نتیجه رسیده که هر دو شاعر موانع آزادی زنان را دیدگاه‌های سنتی برخی از مردان و مشکلات موجود در جامعه می‌دانند. مقاله‌ی دیگر «بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های اجتماعی مشترک در شعر فروغ فرخزاد و سعاد الصباح (با تکیه بر رویکرد زنانه)» از علی اصغر حبیبی و همکاران در مجله‌ی نشریه‌ی ادبیات تطبیقی سال ششم، شماره‌ی ۱۱ و در سال ۱۳۹۳ منتشر شده و به بررسی مسائل اجتماعی مربوط به زنان در شعر فروغ و سعاد پرداخته و به این نتیجه رسیده که هر دو شاعر دردها و مشکلات زنان را در جامعه درک کرده و به مبارزه با سنت‌ها و دیدگاه‌های سنتی علیه زنان پرداخته‌اند.

مقاله‌ی «مقایسه‌ی رویکرد سعاد الصباح و پروین اعتصامی به مسائل اجتماعی» از محسن سیفی و فریبا غنی در همان مجله، سال هفتم شماره‌ی ۲۵ و در سال ۱۳۹۴ منتشر شده و نویسندگان در آن به طرح دیدگاه‌های این دو شاعر در حوزه‌ی موضوعات اجتماعی پرداخته‌اند. مقاله‌ی «واکاوی رمانتیسیم جامعه‌گرا در شعر سعاد الصباح و سیمین بهبهانی» از حجت الله فسنگری و سهیلا اکبری در مجله‌ی «کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی»، سال ششم، شماره‌ی ۲۳ و در سال ۱۳۹۵ منتشر شده که نویسندگان در آن به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های این نوع از رمانتیک در اشعار این دو سراینده با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق این دو شاعر را در مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیم جامعه‌گرا بررسی کرده‌اند. مقاله‌ی «زبانشناسی معنایی اشعار سعاد الصباح و ژاله فراهانی با محوریت زن

و عاطفه‌ی زنانه» از مجید محمدی و افسانه ملکی عنوان مقاله‌ی دیگری است که در «فصلنامه‌ی پژوهشی زن و فرهنگ»، سال نهم شماره‌ی ۳۳ و در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. مقاله بارزترین مضامین عاطفی درباره‌ی زن را در سروده‌های این دو شاعر تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده که هر دو شاعر مضامین عاطفی مشابهی را در اشعار خودشان بکار برده‌اند.

مقاله‌ی «دور تراسل الحواس فی بناء الصورة الفنية لدى سعاد الصباح» از سیدفضل الله میرقادری و علی خطیبی که در فصلنامه‌ی «هنر زبان»، دوره‌ی ۴ شماره‌ی ۱ و به سال ۱۳۹۷ منتشر شده است، این مقاله به بررسی بلاغت حس‌آمیزی (تراسل الحواس) در تصاویر هنری سعاد الصباح پرداخته است، نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که شاعر از حواس تجربی بیش‌تر از حواس حسی در آفرینش ادبی خود استفاده کرده است. پژوهش دیگر مقاله‌ای است با عنوان «لایه‌های پنهان استعاره در دفتر شعر "امراة بلا سواحل اثر سعاد الصباح از علی پیرانی‌شال و همکاران که در مجله‌ی «زبان و ادبیات عربی» سال یازدهم شماره‌ی ۲ و پاییز و زمستان ۱۳۹۸ منتشر شده و به بررسی استعاره در دفتر شعر "امراة بلا سواحل" پرداخته و به این نتیجه رسیده که شاعر از انواع مختلف استعاره در این مجموعه شعر استفاده کرده است.

مقاله‌ی «بررسی تطبیقی تصویر دگرجنسیتی از منظر سیمین بهبهانی و سعاد الصباح» از رمضان رضایی و دیگران در مجله‌ی «کاوش‌نامه‌ی ادبیات تطبیقی»، دوره ۹ شماره‌ی ۳ به سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. این مقاله به بررسی تصویر مرد به مثابه‌ی دگرجنسیتی در شعر این دو شاعر پرداخته و به این نتیجه رسیده که وضعیت نابسامان زنان حاصل رفتارهای نادرست مردان بوده و شاعران خواستار این موضوع هستند که زنان نیز مانند مردان از حق و حقوق خود برخوردار شوند. علاوه بر مقاله‌هایی که درباره‌ی شعر شعاد الصباح نوشته شده، پایان‌نامه‌ای با عنوان «جلوه‌های استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری آن در اشعار سعاد الصباح» با تأکید بر نظریه‌ی «لیکاف و جانسون» توسط فاطمه خرمیان در سال ۱۳۹۸ و در دانشگاه خوارزمی دفاع شده و محقق در آن به این نتیجه رسیده که شاعر در بخش‌های متعددی از اشعار خود و به مدد استعاره مفهومی، به ما درک مفاهیم انتزاعی کمک می‌کند. با بررسی پژوهش‌هایی که درباره‌ی اشعار سعاد الصباح انجام شده است روشن شد که تاکنون پژوهشی به بررسی نقش تصاویر ادبی و خلاقیت‌های زبانی و تصویرسازی‌های شاعر در بیان مفاهیم اجتماعی نپرداخته است لذا پژوهش حاضر به دنبال پرداختن به این موضوع است.

۳. اهمیت تحقیق

در دوره‌ی معاصر و به‌ویژه از نیمه‌ی دوم قرن بیستم، پس از تغییرات اجتماعی- سیاسی کشورهای عربی، شعر معاصر عرب دارای رسالت و ماهیتی خاص گردید و در جهت آگاهی مردم و جامعه برای دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی به‌کار رفت. جامعه‌شناسی ادبیات بر این مبناست که بین جامعه و

اثر ادبی رابطه‌ای متقابل وجود دارد و حتی در مواردی اهمیت جامعه بر اثر ادبی پیشی گرفته است؛ چرا که نویسنده، وابسته به جامعه خویش است و آن را در اثر خویش منعکس می‌کند و سعی می‌کند برخی هنجارهای اجتماعی و سیاسی را تغییر دهد علاوه بر آن زندگی شخصی نویسنده و محیط اجتماعی که در آن رشد کرده در شناخت بهتر اثر ادبی مفید بوده و حائز اهمیت است (رحمانی، ۲۰۰۴: ۱۱۵ و الماضی، ۱۹۹۳: ۱۵۷).

به عبارتی دیگر باید گفت که مسائل سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشوری، تأثیر مستقیمی بر نوع اندیشه و رویکرد محتوایی یک ادیب و شاعر خواهد داشت. سعاد الصباح نیز از این مقوله مستثنی نبوده و کوشش نموده تا به مثابه‌ی یک شاعر متعهد، مسائل پیرامونی و منطقه‌ای و حتی جهانی را به شیوه‌های مختلف در سروده‌های خود بازتاب دهد و از حیث شکلی و بلاغی توانسته است از تمام قابلیت‌های شعری از قبیل تصاویر، وزن و موسیقی، قوافی مختلف و همچنین لوازمی که موجب وحدت و انسجام قصیده می‌شود، به‌خوبی بهره بگیرد (عیسی، ۲۰۱۳: ۱۵۷). به همین دلیل، کاربست صورخیال، یکی از تکنیک‌های شعری در سروده‌های این شاعر کوییتی در راستای القای مفاهیم و معانی اجتماعی و انسانی است. سعاد از یک طرف و به دلیل از دست دادن فرزندش و برخی مسائل شخصی دیگر در زندگی خود، یک شاعر رمانتیک است و بسیاری از شاخصه‌های مکتب رمانتیک همچون عشق، شوق به وطن، احساس غم غربت و ... در شعر وی نمود عینی دارد. بدیهی است که یک شاعر رمانتیک، تنها به واسطه‌ی پناه بردن به تصویرسازی‌های هنری و خیالی در کلام خویش است که می‌تواند به تخلیه‌ی عواطف سرشار و درونی خود بپردازد. به‌طور کلی سعاد الصباح توانسته با بکارگیری مهارت و نازک‌اندیشی در خیال شاعرانه‌ی خود، تصاویر پرشور و زیبا بیافریند، که این تصاویر نتیجه‌ی «خیالی نو و مدرن است که با آهنگ عصر، تمدن، فرهنگ و زندگی شاعر سرشته شده است» (همان: ۱۵۸). همچنین سعاد به دلیل برخوردهای متضاد در مورد جایگاه حقیقی زن در اجتماع به‌ویژه در جهان معاصر عرب، در جایگاه یک شاعر فمینیست ظاهر شده و به دفاع از حقوق زنان می‌پردازد. علاوه بر این جریانات سیاسی در جهان عرب و به‌ویژه ظهور امپریالیسم و مسئله‌ی فلسطین، سعاد را به یک شاعر مقاومت و استکبارستیز تبدیل می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که بیش از سه دهه شاعری، با تمام افت و خیزهای خاص خویش، صورتی متنوع به کارهای سعاد الصباح داده است. او در این دوره‌ها، رمانتیسم را تجربه کرده و به رئالیسم اجتماعی روی آورده است، از کوچه پس کوچه‌های شعر غنایی گذشته، ناسیونالیسم بر کارهایش سایه افکنده و در نهایت از او فمینیستی تندرو ساخته که شدیداً به ضایع شدن حقوق زن در جامعه‌ی عربی معترض است و با قلمش، مردسالاری را گوی میدان می‌کند و با لحن تمسخرآمیزی به بازی می‌گیرد (یگانه، ۱۳۸۲: ۱۵۲). بدیهی است که در بیان همه‌ی این موضوعات، شاعر از تمام ظرفیت‌های بلاغی و تصویری در اشعارش در راستای ارائه‌ی بهتر و ملموس‌تر مسائل بهره می‌گیرد.

از آن جایی که سعاد الصباح از جمله شاعران زن متعهد و واقع‌گرای معاصر عرب است که زیباترین مضامین و معانی شعری را در قالب تصویرآفرینی زیبا و خلّاقانه‌ای عرضه نموده، از سوی دیگر در انتخاب ساختارها و الگوهای تصویری و بلاغی، پیرو الگوهای خاص و زنانه است؛ به تعبیر دیگر، سعاد از ورای تعابیر همراه با صور خیال و هنرآفرینی کلامی، از یک سو محدودیت‌های اجتماعی زنان در جوامع را به چالش کشیده و زبان به انتقاد از آن می‌گشاید؛ و از سوی دیگر، در قالب یک رمانتیست جامعه‌گرا، مسائل و مشکلات جامعه را مورد توجه قرار داده و از بستر عاطفه و خیال شاعرانه‌ی خویش، به بررسی بسیاری از نابسامانی‌ها و معضلات اجتماع می‌پردازد؛ لذا بررسی اشعار او از منظر تصویرگری‌های هنری حائز اهمیت بوده و می‌تواند ویژگی‌های جامعه‌ی آن روز را برای خواننده ترسیم کند.

۴. تصویر در شعر و ارتباط آن با معنی

پیش از ورود به اصل مقاله، به بررسی مفهوم (تصویر) و ارتباط تصویرسازی با معنا خواهیم پرداخت:

۱-۴. تصویر در شعر

«تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی می‌بخشد؛ به عبارت دیگر، سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید یا می‌شنود» (اسکلتن، ۱۳۷۵: ۱۵۵). یعنی شاعر دارای رهیافت ویژه‌ای است که سبب می‌شود به واسطه‌ی چنین دریافتی، اشیاء و امور عادی و روزمره را به گونه‌ای دیگر القا کند؛ به طوری که گویا این اشیاء را به نوعی دیگر می‌بینیم. مسئله‌ای که تولستوی (به نقل از نفیسی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۵) نیز بدان اشاره کرده و اذعان می‌کند که ما به واسطه‌ی عادت، اشیاء اطرافمان را نمی‌بینیم؛ ولی هنرمند، با دید دیگر آنها را کشف می‌کند. سارتر در تعریف خود از تصویر چنین می‌گوید: «تصویر عبارت از نحوه‌ی خاص ظهور یک شیء در شعور انسانی است و یا به طریق اولی، تصویر، طریقه‌ی خاصی است که شعور انسانی به وسیله‌ی آن، یک شیء را به خود ارائه می‌دهد» (به نقل از: براهنی، ۱۳۷۱: ۱۱۴). البته از آنجا که تصویر (image) معادل تخیل دانسته شده (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۰)، هم‌چون تخیل نیز تعریف دقیق و جامعی از آن نشده است. اهمیت تصویر در شعر تا اندازه‌ای است که هنر شاعر و توانایی وی، بستگی به میزان آفرینش تصاویر در اشعار اوست. بر همین مبنا رمانتیک‌ها اعتقاد داشتند: «تمامیت کمال، در زبان تصویری آن است و نه در تقریر و بیان اصول عقلانی؛ از این رو، شعر کلاسیک که تنها به جنبه‌های عقلانی می‌پرداخت، آماج انتقاد گشت» (غنیمی هلال، ۱۳۹۰: ۴۹۷). تاکید بر تصویر تا آنجاست که برخی بر این باور بودند که شعر باید به حدی تصویری باشد که پیش چشم شنونده و خواننده حاضر گردد (ولک، ۱۳۷۴: ۳۲/۲) و ازرا پاوند^۱ یکی از اهداف مهم و غایی شعر را نقاشی کردن

^۱. Ezra Pound

آنچه می‌بینیم دانست (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۴۵)؛ یعنی شاعر باید به سان نقاشی زبردست، به نقاشی پرداخته و دریافت خویش را برای خواننده و مخاطب، نقاشی نماید. دیوید هیوم^۱ عقیده داشت: «زبان مستقیم، شعر است و از این جهت مستقیم است که سر و کارش با تصاویر است. شعر جدید بیش‌تر به مجسمه‌سازی شباهت دارد تا به موسیقی؛ زیرا بیش‌تر چشم را مخاطب قرار می‌دهد تا گوش را و باید تصاویر را قالب‌ریزی کند؛ یعنی گل‌جان را در قالب شکل دقیق می‌ریزد و تصویری بصری می‌سازد که به خواننده منتقل می‌شود» (همان: ۱۵۱). البته تصاویر یک متن یا یک شعر نباید گسسته و از هم جدا باشند؛ بلکه باید منسجم باشند و یک کل را ارائه دهند؛ یعنی «بین تصاویر پل زده می‌شود و سرانجام انسجام ساختمان ایجاد می‌گردد» (همان: ۱۴۷). یک تصویر شعری نباید تنها یک تصویر عینی صرف به حساب آید، زیرا در اینجا بحث شعر است و باید همراه عاطفه باشد؛ به همین دلیل ریچاردز^۲ می‌گوید: «همیشه به کیفیت حسی تصویر، اهمیت بیشتری از حد داده‌اند؛ آنچه تصویر را مؤثر می‌کند، بیشتر خصلت آن است که به عنوان واقعه‌ای ذهنی که به نحوه عجیبی با احساس ارتباط یافته است تا وضوح آن» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۲۰۹).

مجموع این سخنان و نظریات نشان دهنده‌ی آن است که تصویر، اهمیتی فوق‌العاده در ساختمان شعر دارد و شاعر توانمند کسی است که معانی را در قالب تصاویری ارزنده ارائه کند. نباید تصور کرد که هر شعری که تصویری نیست، از مقوله‌ی ادبیات خارج می‌شود؛ از طرفی نمی‌توان هر تصویری را یک تصویر کامل دانست؛ بلکه باید توجه داشت، تصاویر شعر باید شرایط و ویژگی‌هایی داشته باشند تا به واسطه‌ی این شرایط، ارزشمند به حساب آیند و به زیباشناسی سخن کمک نمایند.

۲-۴. ارتباط تصویر و معنی

«معنا» همان مفهوم انتقال‌پذیر است؛ به عبارتی دیگر «معنا همان مفهومی است که از حریم ذهنی بیرون آمده است تا دیگران بتوانند در آن شریک شوند و آن را به دارایی مشترک تبدیل کنند» (گل-محمدی، ۱۳۸۹: ۲۴۴ به نقل از Bunnin and Yu, 2004: 325). بر همین اساس «معنا همان تصویر ذهنی است که در معرض دید و تملک دیگران هم قرار می‌گیرد» (همان). در یک متن ادبی به ویژه شعر، آرایه‌ها و تصویرسازی‌های بلاغی می‌تواند در شکل‌گیری متفاوت یک مفهوم و معنای ذهنی نقش داشته باشد؛ چنین فرآیندی را اصطلاحاً پیوستگی معنا در تصویر می‌نامند.

البته با اندکی تأمل می‌توان دریافت، ارتباط میان تصویر و معنای شعر در همه جا یکسان نیست؛ در پاره‌ای اشعار، تصاویر جدای از معنی هستند و بدون آن نیز معنی نقصی ندارد. در برخی اشعار، تصاویر معنای شعر را مؤثرتر جلوه می‌دهند و در پاره‌ای دیگر از اشعار، معنی و تصویر چنان با هم پیوند خورده‌اند که جدا شدن این دو از یکدیگر غیر ممکن است و گویی معنی تنها در همین تصاویر، می‌تواند مؤثر و

1. David Hume

2. Richards

قابل بیان باشد. پورنامداریان با ارائه‌ی دسته‌بندی نیکو توانسته رابطه‌ی صور خیال یا تصویر با معنی را بیان نماید:

- معنی از پیش در ذهن گوینده معلوم و مشخص است، این معنی ناشی از برخورد عاطفی گوینده یا شاعر با موضوع نیست، این معنی از پیش معین را می‌توان با زبانی ساده و عاری از هرگونه تصویر بیان نمود، نویسنده به قصد بزرگ جلوه دادن معنی، آن را با تصویر همراه می‌کند. بسیاری از قصاید مدح آمیز شعر فارسی چنین هستند.

- معنی به دلیل برخورد عاطفی نویسنده یا شاعر با موضوع در ذهن شکل گرفته است یا چنین می‌نماید؛ لذا گوینده یا نویسنده تنها قصد انتقال آن ندارد؛ بلکه می‌خواهد احساسی در مخاطب برانگیزد؛ در اینجا تصویر برای برانگیختن احساسی است، اینجا نیز معنی می‌تواند ساده باشد و به همراه تصویری نباشد، لکن تاثیر خود را از دست می‌دهد، تعزلات قصاید نمونه‌ای از این گونه‌اند.

- نوع سوم، معنی و تصویر با یکدیگر پیوند ذاتی دارند، اگر تلاش شود که این دو از هم جدا شوند، آن گاه معنی دیگری خواهیم داشت. تصویر در اینجا بیش از آن که به کار تزئین یا تاثیرگذاری بپردازد، وظیفه ایضاح معنایی را دارد که از بیان می‌گریزد (پورنامداریان، ۱۳۹۶: ۲۸-۳۰).

با توجه به مطالب فوق روش شد که لازمه‌ی تاثیرگذاری متن ادبی این است که لازم است ارتباط عمیقی میان معنا و تصاویر ادبی وجود داشته باشد؛ زیرا ادیب با استفاده از تصاویر ادبی می‌تواند بر مخاطب اثر گذاشته و معنای خود را به‌خوبی به آن‌ها منتقل نماید. لذا تصاویر ادبی معنای ثانویه‌ای به متن ادبی، به‌ویژه شعر می‌دهد و ادیب از این طریق می‌تواند خواننده را در احساس تأثر خود شریک کند، در صورتی که متن ادبی عاری از تصاویر ادبی باشد یا میان معنا و تصاویر ادبی هماهنگی و انسجام وجود نداشته باشد، ادیب نمی‌تواند خواننده را در تجربه‌ی احساسی خود شریک کند. از این‌رو تصاویر برای القای معنای ادبی متن ضروری است و هماهنگی میان معنا و تصاویر سبب می‌شود تا ادیب بتواند معنای ادبی و انفعال خود را به مخاطب عرضه نماید.

۵. زندگی سعاد الصباح و ویژگی‌های اشعار او

سعاد الصباح، شاعر و نویسنده‌ی معاصر کویتی در سال ۱۹۴۲م به دنیا آمد. تحصیلات آکادمیک خود را در رشته‌ی اقتصاد به پایان رساند و موفق به کسب مدرک دکتری در این رشته گردید. وی در طی ۴۰ سال، آثار متعددی در زمینه‌ی شعر و ادبیات از خود به جای گذاشت. اولین مجموعه اشعار وی با عنوان «من عُمری» در سال ۱۹۶۴م در کویت منتشر شد (خلف، ۱۹۹۲: ۴۲). از دیگر مجموعه اشعار وی

عبارتند از: ایلک یا ولدی (به تو فرزندم) در سال ۱۹۸۲م، فی البدء کانت الأنتی (در آغاز زن بود) در سال ۱۹۸۸م، حوار الورد و البندق (گفتگوی گل‌ها و تفنگ‌ها) در سال ۱۹۸۶م، برقیات عاجله إلی وطنی (تلگراف‌های فوری به وطنم) در سال ۱۹۹۰م، قصائد الحب (قصیده‌های عشق) در سال ۱۹۹۲م و این سراینده‌ی عرب، شعر خود را به عنوان ابزاری کارآمد برای بیان اعتراض علیه سنت‌های نادرست، نابرابری‌های نظام مردسالار و ... به کار می‌بندد تا با روشنگری در این حوزه، زمینه را برای لطافت‌های زنانه و ذوق شاعرانه‌ی خود و در نهایت، دستیابی به مهم‌ترین خواسته‌اش یعنی رفع تبعیض فراهم سازد. سعاد الصباح، شاعری مبدع با تخیلی خلاق و فوق‌العاده است. وی تمامی سبک‌های ادبی همچون رمانتیسیم، رئالیسم، سمبولیسم و ... را در اشعار خود تجربه کرده و جلوه‌های گوناگون مضمونی در شعر معاصر عربی، همانند تأمل در حیات، تأمل در مسائل سیاسی و اجتماعی و ... در سروده‌هایش ظهور و بروز یافته است؛ به نحوی که «خواننده با مطالعه‌ی اشعار زیبای سعاد، به عاطفه، خیال و اندیشه‌ی وی پی می‌برد» (الأمین، ۱۹۹۴: ۹۰). علاوه بر نوآوری در شعر سعاد، چکامه‌های وی از پیچیدگی و غیر قابل فهم بودن به دور است (أرناؤوط، ۲۰۱۳: ۲۱۴) و به طور کلی می‌توان شعر وی را یک انقلاب دانست؛ «انقلاب در نگاه و دیدگاه، انقلاب در نوآوری، انقلاب در فهم و درک و انقلاب در آثار و نتایج» (همان: ۱۱).

۶. گونه‌های مختلف پیوستگی تصویر با معنی در اشعار سعاد الصباح

شعر سعاد الصباح در نهایت لطافت، در سادگی و روانی سروده شده است؛ به نحوی که افکار و احساسات زن عرب را در قالب نوعی رئالیسم ادبی به تصویر می‌کشد، اما چون رئالیسم، مخمل ورود عناصر زیباشناسانه به شعر است، وی با تصویرسازی، عاطفه‌گرایی، و رمزگرایی این ضعف را برطرف کرده است. استفاده از صنعت تشخیص و پرداختن به معنای قریب و بعید در شعر، از ویژگی‌هایی است که شعر سعاد را برجسته کرده است. گونه‌های مختلف پیوستگی تصویر با معنی در اشعار سعاد الصباح به کار رفته است که از میان آن‌ها می‌توان به تصویر تناقض درونی، تصویر نوشتن، تصویر اشغال کویت و ... اشاره نمود که این بخش به تحلیل و بررسی آن‌ها می‌پردازد تا ویژگی‌های آن‌ها را در شعر سعاد الصباح تحلیل و تبیین کند.

۱-۶. تصویر تناقض درونی

در اشعار سعاد الصباح نوعی تناقض‌گویی به چشم می‌خورد و در سرودهایش، ماه و درنده، سیاه و سفید، اومانیسیم و صوفی‌گری، انقلاب و ضدشورش، و تمایل وصال و اغتیال، هر دو با هم به چشم می‌خورند؛ از یک سو تمایلات زنانه و میل به رهایی و از سوی دیگر دریای مردانگی جنس مخالف، و اینکه آیا زنی باشد رها و گسسته از مرد، یا زنی پذیرای عشق او؟ او این تناقض را با استفاده از عنصر تصویرساز دریا چنین بیان می‌کند:

يتصارغ في داخلي بحران/ بحر أنوثتي المُتوسن / و بحر رجولتك المزروع بالألغام
والقراصنة» (الصباح، ۲۰۱۳: ۸۸).

(ترجمه): «در درونم دو دریا در تلاطم و مبارزه اند/ دریای زنانگی متوسط من/ و دریای مردانگی که
نباشته از مین‌ها و دزدان دریایی است».

شاعر با بهره‌گیری از عنصر تصویرسازی دریا، حالت تلاطم و امواج بودن آن را در موقعیت‌های
مختلف بیان می‌کند. وی باطن با ضمیر خود را به دریایی تشبیه کرده و بدین وسیله، روحیه‌ی زنانگی
و گاه مردانه بودن خود را با تصویرگری دریا به خوبی ترسیم کرده است. تناقض تصویر در زن و مرد
نمایان می‌شود.

۲-۶. تصویر نوشتن

سعاد از این‌که زن به جای نوشتن و تحصیل دانش و قلم به دست گرفتن، به کنج خانه رفته و از بسیاری
از حقوق اجتماعی محروم بماند، اندوهناک است و این غم او را می‌آزارد؛ چرا که باید به جای الفبا و
مرکب، وقتش را صرف امور بیهوده نماید؟ او نوشتن را به شمشیری بر آن تشبیه می‌کند که با آن به
شکستن اندیشه‌های دگم و قرون وسطایی می‌رود و دیوارهای اطراف شهرهای ممنوعه را که زنان از
ورود بدان بازداشته‌اند، از میان خواهد برد؛ سعاد الصباح در دیوان "قصائد حب" می‌سراید:

«أريد أن أكتب... / لأدافع عن كلِّ شبرٍ من أنوثتي... / أقامَ به الاستعمار / و لم يخرج حتى
الآن... / فالكتابةُ هي وسيلتي / لكسر ما لا أستطيعُ كسره... / من قلاع القرون الوسطى، /
و أسوار المُدن المحرَّمة... / و مقاصِل محاکم التفتيش...» (الصباح، ۲۰۰۵: ۲۰).

(ترجمه): «می‌خواهم بنویسم/ برای دفاع از وجب به وجب زنانگی‌ام/ که استعمار در آن لانه گزیده/ و
تاکنون از آن خارج نشده.../ چرا که نوشتن تنها وسیله‌ی من است/ برای شکستن آنچه نمی‌توانم از
میان ببرم/ برای شکستن دژهای قرون وسطایی/ و دیوار شهرهای ممنوعه/ و گیوتین دادگاه تفتیش
عقاید».

شاعر نوشتن را وسیله‌ای دانسته که برای شکستن ناشکستگی‌ها به کار می‌رود. وی می‌نویسد تا
محدودیت‌هایی که گرداگرد زن کشیده شده را بردارد و از فضای آلوده‌ای که مانع رشد زن و مانع تألیف
هزاران کتاب ادبی و علمی شده، خارج شود.

۳-۶. تصویر آزادی

تصویر دیگری که در شعر سعاد الصباح به کار رفته، تصویر آزادی است، وی در «دیوان الورد... تعرف
الغضب» در وصف آزادی چنین سروده است: «وأحاولُ أن أكتشف جزيرة / لاتسنى أشجارها بئهمة
العمالة / ولاتعتقلُ فراشاتها بئهمة كتابة الشعر...» (الصباح، ۲۰۰۶: ۳۰).

(ترجمه): «در پی کشف جزیره‌ای هستم/ که درختان آن به اتهام فعالیت اعدام نمی‌شوند/ و پروانه‌های
آن به اتهام نوشتن شعر زندانی نمی‌شوند».

سعاد الصباح در این ابیات، به انتقاد جامعه می‌پردازد؛ جامعه‌ای که در آن آزادی بیان به آن معنا که شاعر در پی آن است، وجود ندارد؛ به همین دلیل او در پی کشف دنیایی است که آزادی مطلوب در آنجا دست‌یافتنی باشد. شاعر دنیای آزادی که در جستجوی آن است را به جزیره‌ای تشبیه کرده است که شهروندانش (درختانش) را اعدام نمی‌کند و شاعرانش (پروانه‌ها) را به اتهام سرودن شعر (پرواز) به بند نمی‌کشد. تصاویری که شاعر در این ابیات به کار برده از ظرافت، زیبایی و بلاغت نیکویی برخوردار است.

۴-۶. تصویر اشغال کویت

حمله به کویت و اشغال هفت ماهه‌ی این کشور توسط نیروهای عراقی، شاعر را دچار حیرت و تعجب می‌کند، از این رو با سرودن اشعاری در این زمینه به تصویرگری زیبایی از این اشغال‌گری می‌پردازد، وی با جان‌بخشی به سرزمینش کویت، این کشور را همه‌ی وجود و تاریخ و زمان مردمش می‌داند:

مَنْ قَتَلَ الْكُوَيْتِ؟ /.. مَنْ ذَبَحَ الْحَمَامَةَ الْجَمِيلَةَ الْبَيْضَاءِ؟ /.. مَنْ قَتَلَ الْقَصِيْدَةَ الشَّقَاقَةَ الزَّرْقَاءَ؟ /.. مَنْ سَرَقَ الْكُوَيْتِ، مِنْ ذَاكِرَةِ الْأَوْلَادِ، / وَ الْيَاقُوْتِ مِنْ خَوَاتِمِ النِّسَاءِ / مَنْ سَرَقَ التَّارِيْخَ وَ الْجُغْرَافِيَا... / وَ اغْتَصَبَ الزَّمَانَ، وَ الْمَكَانَ، / وَ الْحَيَاةَ، وَ الْأَحْيَاءَ؟ /.. وَ اقْتَلَعَ الشُّعُوْبَ مِنْ مَكَانِهَا / وَ غَيَّرَ الْوَجُوْدَ، وَ الْعِيُوْنَ، وَ الْأَسْمَاءَ» (الصباح، ۲۰۰۵: ۷۲).

(ترجمه): «چه کسی کویت را کشت/ چه کسی کبوتر زیبای سفید را ذبح کرد؟/ چه کسی قصیده شفاف آبی را کشت؟/ چه کسی کویت را از حافظه فرزندانش، دزدید؟/ و یاقوت را از انگشترهای زنان/ چه کسی تاریخ و جغرافیای کویت را دزدیده؟/ و زمان و مکان و زندگی و زندگان را مورد تجاوز قرار داده است/ و مردم سرزمین‌ها را آواره و بی‌خانمان کرده/ و چهره‌ها و چشمان و نامها را تغییر داده».

تصویرگری‌های شاعر در عبارت شعری بالا بسیار زیبا و ماهرانه به کار رفته است. کویت به انسانی تشبیه شده که به قتل رسیده است، در ادامه شاعر پا را از این حد فراتر نهاده و کویت را کبوتر سفید زیبایی دانسته است که بی‌گناه کشته شده، سپس کویت را به قصیده‌ی آبی زلال تشبیه شده، یعنی کویت همه‌ی وجود شاعر و مردمش است، منبع الهام، منبع زیبایی و هر آن‌چه وجود و کیان بشر به آن وابسته است در کویت خلاصه و متجلی می‌شود، تصاویر ادبی که شاعر به کار برده است به خوبی گویای این موضوع می‌باشد؛ از این رو تصویرگری‌های شاعر درباره‌ی کویت بسیار خلاقانه و نیکو است.

۵-۶. تصویر مبارزه در راه اندیشه

هر انسانی با اندیشه‌ی آزاد به دنیا می‌آید و کسی نمی‌تواند او را برده و بنده‌ی افکار خود قرار بدهد و او را پست و ذلیل کند و تحت سلطه شخصی خود قرار دهد. هیچ بندگی جز برای خداوند سبحان وجود ندارد. محرومیت از آزادی اندیشه و تحت سلطه‌ی استبداد بودن، گاه سبب می‌شود فردی که تحت شکنجه و محروم از آزادی واقع شده، به یک‌باره نیروهای درونی‌اش به شورش آمده، علیه استبداد به مبارزه برخیزد؛ سعاد الصباح کسانی را که به مقابله با اندیشه‌ی آزاد و فریاد آزادی‌خواهانه‌ی شاعران و

نویسندگان برمی‌خیزند، به دزدانی تشبیه می‌کند که شعر را زنده زنده ذبح نموده و شاعران نواندیش و آزاداندیش را قربانی می‌نمایند؛ شاعر با شعر و نثر خود به مبارزه با آنان برمی‌خیزد و فرعونیان مخالف اندیشه را به تحدی می‌طلبد:

أتحداهم جميعاً.../أتحدى سارقي حرية الفكر،
بذبح الشعر حياً و من أفتوا / و بذبح الشعراء
أتحدى / كل من يحترفون السلب...
و النهب و من خانوا تراث الصحراء
أتحداهم بشعري...
و بنثري...
و صراخي...
و انفجارات دمائي...

أتحدى ألف فرعون على الارض و أنضم لحزب الفقراء (الصباح، ۲۰۰۰: ۳۷).

(ترجمه): همه را به مبارزه دعوت می‌کنم/ دزدان آزادی اندیشه را به مبارزه می‌طلبم/ و نیز علیه کسانی که فتوا دارند، شعر را قربانی کنند... و شاعران را نیز ذبح کند/ مبارزه می‌کنم با هر کس که غارت و چپاول را پیشه‌ی خود کرده است... و آنان که به میراث بیابانی خیانت کردند/ با شعر و نثر خود با آنان مبارزه می‌کنم/ و با فریاد خویش و منفجر شدن خونم/ علیه هزاران فرعون زمینی به مبارزه برمی‌خیزم/ و به حزب مستضعفان می‌پیوندم.

در قطعه‌ی شعری بالا تصاویر ادبی زیبایی به کار رفته است. شاعر آزادی اندیشه را شیء بارزشی دانسته که توسط سارقان به سرقت می‌رود. هم‌چنین به دلیل اهمیت و جایگاه والایی که شاعر برای شعر در نظر گرفته است، شعر را موجود جاندار در نظر گرفته که ذبح می‌شود (بذبح الشعر حياً).

۶-۶. تصویر وطن دوستی

وطن خواهی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم انسانی است که واژه‌هایی چون اتحاد، برادری و همبستگی را با خود تداعی می‌کند. در اشعار سعاد الصباح، عشق به وطن در نگاه کلی، شامل تمام سرزمین‌های عربی و در نگاه جزئی‌تر، شامل کویت، عراق، لبنان و فلسطین می‌شود. به وضوح می‌توان ملاحظه نمود. او در اشعار خود، عاشقانه و از صمیم قلب به مسائل و مشکلات میهن خویش پرداخته و به دفاع از حقوق هموطنانش برمی‌خیزد و در حالی که از سیاست‌های سوء جاری در کشور و نابسامانی و آشفتگی اوضاع اجتماعی رنج می‌برد، در قلب خود همواره در آرزوی بهبودی اوضاع، پیشرفت، آبادانی، سازندگی، رونق اقتصادی و شکوفایی علمی و فرهنگی کشور خود است؛ او در تصویر وطن دوستی و میهن خواهی خود، از زیباترین الفاظ و کلمات عاشقانه نسبت به وطن خویش استفاده می‌کند. شاعر، کویت را هم‌چون خورشید و زمین می‌داند که بخشش‌ها و مواهب خود را از ساکنان کره‌ی خاکی دریغ نمی‌کنند؛ سعاد با

تصویرسازی از عناصر طبیعی به نوعی نشان می‌دهد که کشورش با وجود کوچکی مساحت، اما در اوج سخاوت و بخشش است و برای همه‌ی جهان مایه‌ی سعادت و خوشبختی است:

كُوَيْتٌ، كُوَيْتٌ
أَحْبَبُ... كَالشَّمْسِ تُعْطِيْنَ ضَوْءَكِ لِلْعَالَمِينَ
أَحْبَبُ كَالْأَرْضِ...
تُعْطِيْنَ قَمَحَكِ لِلجَانَعِينَ
و تَقْتَسِمِينَ الهمومَ مع الخائفين...
و تَقْتَسِمِينَ الجراحَ مع الثَّائِرِينَ... (الصباح، ۲۰۰۵: ۱۹).

(ترجمه): کویت، کویت / دوست دارم... به سان خورشیدی که نورش را نثار جهانیان می‌سازی / دوست دارم به سان سرزمینی... / که گندمت را به گرسنگان ارزانی می‌داری / و نگرانی‌ها را با ترسیده‌ها تقسیم می‌کنی / و زخم را با انقلابیون تقسیم می‌کنی.

در ابیات بالا شاعر، کویت آن را به سان خورشید عالم‌تابی به تصویر کشیده است که نور و روشنایی‌اش را به هر دو جهان می‌تاباند، سپس به این حد قانع نشده و کویت را چون زمینی دانسته که گندم خود را به گرسنگان عطا می‌کند. در ادامه پا را ازین تصاویر فراتر نهاده و کویت را انسان جاننداری دانسته است که در غم و اندوه ترسیدگان و زخم و جراحت انقلابیون سهیم شده باعث تسلی آن‌ها می‌شود که منظور شاعر از انقلابیون و ترسیدگان خود شاعر است که کشورش کویت مایه‌ی آرامش و تسلی خاطر شاعر است.

شاعر در ابیاتی دیگر، با جان‌بخشی شاعرانه و احساسی به وطنش، عاشق تبسم کویت است، نوای صدایش به هنگام شادی و خنده دلنشین است، سکوتش، غم و اندوهش برای شاعر دلچسب و گوارا است، ترسیم این تصاویر از کویت نشان‌دهنده‌ی عشق عمیق شاعر به وطنش است:

كُوَيْتٌ، كُوَيْتٌ
أَحْبُ اِبْتِسَامَتِكِ الطَّيِّبَةِ
و اِبْقَاعِ صَوْتِكِ، إِذْ تَضْحَكِينَ
أَحْبُكِ... صَامِتَةً مُتَعَبَةً
و أَعْمَاقَ عَيْنِيكِ إِذْ تَحْزَنِينَ
أَحْبُكِ فِي غُرْبَتِي وَ ارْتِحَالِي
و أَشْتَأِقُ كُلَّ حَصَاةٍ... وَ كُلَّ حَجَرٍ (الصباح، ۲۰۰۵: ۲۱).

(ترجمه): کویت، کویت / لبخند پاکت را دوست می‌دارم / و لحن صدایت را، آن هنگام که می‌خندی / تو را دوست دارم... ای خسته لب فرو بسته / و عمق چشمانت را، آن گاه که غمگینی دوست دارم / تو را در سفرم و غربتم دوست دارم / حتی دلم برای دیدن سنگ‌هایت از ریز و درشت پر می‌کشد.

۶-۷. تصوير ظلم و ستم

سعاد الصباح در ديوان "فى البدء كانت الأنثى" در به تصوير کشیدن ظلم و بيداد چنین می‌سراید:

حتى الشمسُ فى هذا العصر الظلامى
أخذوها من بيتها ...
وحكموا عليها بالسجن خمسة عشر عاماً
بتهمه توزيع رسائلها الضوئية
على نوافذ المواطنين ...
حتى ضوء القمر
ألصقوا صورته على كل جدران المدينة
و طلبوا إلقاء القبض عليه
حياً ... أو ميتاً... (الصباح، ۲۰۱۳: ۱۳۸).

ترجمه: حتى خورشید هم در این عصر تاریک و خفقان، او را از خانه‌اش گرفتند.../ و به پانزده سال زندان محکوم کردند/ به خاطر اتهام توزیع پیام‌های نوری/ بر پنجره‌های شهروندان.../ حتی نور ماه/ تصویرش را بر دیوارهای شهر آویزان کردند/ و خواستند تا دستگیرش کنند / زنده ... یا مرده.../.

در این ابیات، شاعر با جان‌بخشی به خورشید و ماه، به بیان اوج ظلم ظالمان و ستم آن‌ها می‌پردازد و با تصویرگری زیبا از عناصر طبیعی، مفاهیم مورد نظر خود را در این زمینه بیان می‌کند. ستمکارانی که حتی اگر بدانند خورشید و ماه با پرتوافشانی خود، به مردم خیر و برکتی می‌رسانند، بر علیه آن دو ایستاده و اجازه‌ی آن را به خورشید و ماه نمی‌دهند. سعاد در ادامه می‌گوید:

حتى سنابل القمح
وضعوها في الإقامة الجبرية
ومنعوا العصافير من زيارتها
حتى كلامنا في المقهى ... أو على الهاتف...
مسجل على أشرطة

و محفوظاً فى أرشيف المباحث العامة... (الصباح، ۲۰۱۳: ۱۳۹).

(ترجمه): حتی خوشه‌های گندم/ تحت بازداشت خانگی قرار دادند/ و پرندگان را از دیدنشان محروم کردند/ حتی صحبت در قهوه‌خانه (کافی‌نت) و یا تلفن .../ را بر روی نوار ثبت کردند.../ و در بایگانی کارگاه عمومی محافظت کردند.

شاعر با بهره‌گیری از آرایه‌ی تشخیص، معتقد است که ظالمان حتی زندگی مردم و معیشت آن‌ها را هدف قرار داده‌اند و خوشه‌های گندم را که قوت غالب مردم و نماد جان و زندگی آن‌هاست، تحت بازداشت قرار داده‌اند که مبدا مردم از آن‌ها استفاده نمایند.

۸-۶. تصویر خیزش انتفاضه فلسطین

سعاد نسبت به مسائل جهان عرب بی تفاوت نبوده، او قضایای وارده بر کشورهای عربی را در عصر حاضر به سان یک سمفونی می‌داند که بارها و بارها تکرار می‌شود گاه در بیت لحم، گاه در غزه و ... و نسبت به قضیه‌ی فلسطین بی تفاوت نبوده و با اشاره به انتفاضه‌ی فلسطین؛ کودکان فلسطینی را پاره‌های جگر اسلام توصیف می‌کند، که خورشید را در کیسه‌هایشان قرار می‌دهند و بر اسرائیلیان و غاصبان می‌شورند و اسطوره‌ی اسرائیل را نابود خواهند ساخت. یکی از زیباترین تشبیهات شاعر، تشبیه انتفاضه فلسطین به تولد یحیی (ع) است؛ تولد مبارکی است که روحی تازه به این سرزمین بخشید:

الانتفاضة الفلسطينية...
 هي (یحیی) الذي طالما انتظرناه...
 بعدما كدنا نشك في قدرتنا على الإنجاب.
 یحیی هذا، لم یولد و في فمه ملحقة ذهب.
 و لم یولد على سریر من الحریر...
 ولم یستحم بماء الورد و الیاسمین...
 یحیی الفلسطینی...
 وُلد من تراب الشوارع في غزة، و في نابلس،
 و رام الله، و البيرة...
 و ذفن في تراب الشوارع.
 یحیی الفلسطینی... هو ابني...
 كما هو ابن كل امرأة عربية..
 فتأملوا كيف تخلق البطولة ملايين الأمهات...^۱ (الصباح، ۲۰۰۶: ۲۰۲).

سعاد در تشبیه بلیغ در ابیات فوق، انتفاضه فلسطین را به تولد یحیی (ع) تشبیه می‌کند؛ تولدی خجسته‌ای که دیرزمانی است انتظار آن می‌رود؛ البته یحییای فلسطین، در خاک خیابان‌های غزه و نابلس متولد شده است.

سعاد الصباح در کتاب "خزنی إلى حدود الشمس" باز به مسئله‌ی فلسطین پرداخته و به بی‌ثباتی و زوال اسرائیل اشاره می‌کند و در اینجا ضمن استفاده از استعاره گل برای مبارزان فلسطینی، اسرائیل را به خانه‌ای شیشه‌ای تشبیه می‌کند که احتمال شکستن آن بسیار است:

فأفرسوا السجادة... و الورد...
 لأطفال الحجارة
 و اغمروهم بالزهر...

^۱. ترجمه: انتفاضه فلسطینی... / او (یحیی) کسی است که مدت طولانی انتظارش را می‌کشیدیم. / بعد از اینکه ما به قدرت زایشش شک کردیم. / این یحیی است که در دهانش قاشقی طلائی است زائیده نشده / و روی تخت پوشیده از ابریشم به متولد نشده. / با گلاب و یاس استحمام نمی‌کند... / یحیی فلسطینی... / در خاک خیابان‌های غزه و نابلس، / و رام الله و بیره متولد شد... / و در خاک همین خیابان‌ها به خاک سپرده شد. / یحیی فلسطینی... / فرزند من... / او فرزند هر زن عرب است... / پس بنگرید که چگونه حماسه‌ی میلیون‌ها زن شکل می‌گیرد...

إِنَّ إِسْرَائِيلَ بَيْتٌ مِنْ زُجَاجٍ...
و انگستر...^۱ (الصباح، ۲۰۰۵: ۱۵۲).

تشبیه اسرائیل به خانه‌ای شیشه‌ای در این بیت، ظرافت زیبایی به مضمون شاعر داده است؛ وجه شبه در این تشبیه، شکنندگی دشمن صهیونیست و ضعف اوست. تشبیه از نوع تشبیه بلیغ است.

نتیجه‌گیری

شعر مدرن را شعر تصویرگری نامیده‌اند؛ چرا که یکی از جلوه‌های زیبای هنرمندی شاعر در عصر معاصر، تخیل بدیع و آفرینش تصاویر نو همراه با کشف ارتباطی جدید بین پدیده‌هاست. واکاوی تصویر، جهان کوچکی از دنیای بزرگ و سترگ شاعر و ادیب است و پرده‌برداری از آن، کشف ذات و وجود هنرمند است و شیوه تعامل او را با این جهان نشان می‌نماید. تخیل، عرصه وسیعی برای تصویر است؛ چون در لحظه‌ای کوتاه، زمانی بیکران و در مکانی محدود، سرزمینی پهناور را به تصویر می‌کشد. در مقاله‌ی حاضر، ارتباط تصویرگری‌های شاعر با معانی شعری او به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت که یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تصاویر به کار رفته در اشعار سعادت‌الصباح، پیوستگی اجزای آن در قالب‌های مختلف خیالی همچون استعاره، تشبیه، کنایه و ... جهت القای هر چه بهتر درونمایه‌ی شعر است؛ این‌گونه نیست که هر تصویری جدای از سایر تصاویر برای تفنن آمده باشد؛ بلکه هر تصویری در راستای القای معانی مورد نظر شاعر به کار گرفته شده است. مفاهیمی هم‌چون تصویر تناقض درونی، تصویر نوشتن، تصویر آزادی، تصویر اشغال کویت، تصویر مبارزه در راه اندیشه، تصویر وطن‌دوستی، تصویر ظلم و ستم و ... که از مفاهیم غالب در اشعار سعادت‌الصباح است، با زبانی بلاغی و تصویری همراه شده است و شاعر سعی کرده تا معانی مورد نظر خود را در قالب تصویرگری‌های زیبا با استفاده از تشبیه و استعاره‌های نیکو ترسیم نماید. به‌طور کلی شاعر توانسته است معانی شعری خود را تصویرگری به خوبی به خواننده القا کند، به‌گونه‌ای که معانی با تأثیر والایی در دل و جان خواننده می‌نشیند که این امر نشان‌دهنده‌ی قدرت و توانایی والای شاعر در استفاده از تصویرگری و ارتباط عمیق آن با معانی است.

^۱ . ترجمه: مسیر را فرش کنید و با گل بیارآید/ برای کودکان سنگ و آنان را گلباران کنید/ چرا که اسرائیل خانه‌ی شیشه ایست / که شکست.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- أرنأؤوط، عبداللطيف (بى تا)، سعاد الصباح (رحله فى أعمالها غير الكاملة)، بيروت: شركة النور.
- اسكلتن، راين (۱۳۷۵)، حكايت شعر، ترجمه‌ی مهرانگيز اوحدي، چاپ اول، تهران: نشر ميتر.
- الأمين، فضل (۱۹۹۴)، سعاد الصباح (شاعرة الإلتماء الحميم)، بيروت: شركة النور للطباعة والنشر.
- براهنى، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، چاپ اول، تهران: زرياب.
- پور نامداریان، تقى (۱۳۹۶)، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الحاوی، ايليا (۱۹۹۸)، الرومانسية فى الشعر الغربى والعربى، الطبعة الثامنة، بيروت: دار الثقافة.
- خلف، فاضل (۱۹۹۲)، سعاد الصباح الشعر والشاعره، الكويت: منشورات شركة النور.
- رحمانى، أحمد (۲۰۰۴)، نظريات نقدية و تطبيقاتها، الطبعة الأولى، القاهرة: مكتبة وهبة.
- ريكور، پل (۱۳۷۸)، زندگی در دنیای متن، ترجمه‌ی بابک احمدی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۲)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
- الصباح، سعاد (۲۰۰۵)، قصائد حب، ط ۵، الكويت: دار سعاد الصباح.
- _____ (۲۰۰۶)، والورود... تعرف الغضب، ط ۲، الكويت: دار سعاد الصباح.
- عيسى، فوزى (۲۰۱۳)، ديوان القصيدة أنثى و الأنثى قصيده، قراءه فى الشعر سعاد الصباح، بيروت: دار الجميل للنشر
- غنيمى هلال، محمد (۱۳۹۰)، ادبيات تطبيقى، ترجمه‌ی سيد مرتضى آيت الله زاده شيرازى، چاپ اول، تهران: انتشارات امير كبير.
- فتوحى، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصوير، چاپ دوم، تهران: نشر سخن.
- گروهى نويسندگان (۱۳۸۱)، نقد و تحقيق: مجموعه مقالات پيرامون ادب (۲)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاداسلامى.
- الماضى، شكرى عزيز (۱۹۹۳)، فى نظرية الأدب، الطبعة الأولى، بيروت: دارالمؤتخب العربى للدراسات و النشر و التوزيع.
- ولك، رنه (۱۳۷۴)، تاريخ نقد جديد، ترجمه‌ی سيد ارباب شيروانى، ج ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات نيلوفر.
- ولك، رنه و وارن، أوستن (۱۳۷۳)، نظريه‌ی ادبيات، ترجمه‌ی ضياء موحد و پرويز مهاجر، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- ياسوف، احمد (۱۳۸۸)، زيبائى شناسى واژگان قرآن، ترجمه‌ى سيد حسين حسيني، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

مقالات:

- گل محمدى، احمد (۱۳۸۹)، مفهوم، معنا، زبان، فصلنامه پژوهش سياست، سال دوازدهم، شماره ۲۹، پاييز: ۲۳۸ - ۲۵۲.

- نفيسى، آذر (۱۳۷۰)، نقد فرم گرا- کشف خلاق منتقد، مجله گردون، دوره ۱، شماره ۱۷ و ۱۸: ۱۴-۱۸.

- يگانه، عليرضا (۱۳۸۲)، من از باغستان‌هاى عقل گريخته‌ام (نگاهى به زندگى و شعر سعاد محمد الصباح، نشریه‌ى ادبيات، زبان‌ها «گوهران»، شماره‌ى اول: ۱۵۱ - ۱۵۷).

التناغم بين الصورة والمعنى في قصائد سعاد الصباح

اكرم عيدي^١، پراندوجی، نعيمه^٢، اميد ايزانلو^٣

الملخص

سعاد الصباح إحدى شاعرات الكويت البارزات في الشعر العربي المعاصر التي تعتبر أشعارها من نوع الأشعار الاجتماعية و الواقعية. وهي اهتمت بالتعبير عن القضايا السياسية والاجتماعية الهامة لمجتمعها بلسان الشعر وبلغة بسيطة وطيقة. إن ما يميز شعر هذه الشاعرة الكويتية هو استخدام لغة التصوير وخاصة صنعة التشخيص الشعري في التعبير عن المعاني والمفاهيم الشعرية. هذا الارتباط بين لغة التصوير والمعنى جعل الشاعر ينقل اندفاعاته الذهنية ومشاعره لمخاطبه بطريقة ملموسة وعاطفية. يحاول هذا البحث مستمداً من المنهج الوصفي والتحليلي أن يدرس التنسيق بين الصورة والمعنى في شعر سعاد الصباح بالاعتماد على أشعاره الاجتماعية وأن يجيب على هذا السؤال: كيف استخدمت سعاد الصباح من الصور الشعرية في تصوير القضايا الاجتماعية في مجتمعها؟ نتائج البحث تدل على أن الشاعرة عبرت عن احتجاجها على الظلم الاجتماعي والمجتمع الأبوي باستخدام الصور العاطفية وخاصة باستخدام العناصر الطبيعية. حاولت سعاد الصباح التعبير عن مفاهيمها المرجوة بشكل أكثر جمالاً وتماسكاً بتقنيات لغوية مختلفة والتناغم بين الصورة والمعنى.

الكلمات المفتاحية: المعنى، استمرارية الصورة، الشعر الكويتي المعاصر، سعاد الصباح.

^١ . دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران. ایمیل: akram.eidi2018@gmail.com

^٢ . استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران (نویسنده مسؤول): parandavaji@kub.ac.ir

^٣ . استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران (نویسنده همکار). ایمیل: omid.izanlo@gmail.com



